

نگاه

مخالفتان دولت و تغییر جای نقد با تخریب

■ همکار - امضا محفوظ

بی تردید دولت یازدهم در دو حوزه سیاست خارجی و نفت، افتخار آفرینی‌های بسیار داشته است. دولت اعتدال‌گرای دکتر روحانی در این مسیر تا حد زیادی توانسته چالش‌ها یا موانع فراروی توسعه ایران را بر دارد. به نظر می‌رسد که در این مسیر، مخالفتان دولت دو وجه راهبردی و نقطه قوت دولت یازدهم را نشانده گرفته‌اند. این نشانده‌گیری از سوی مخالفتان همچنان ادامه دارد و در موارد متعدد ایجاد مزاحمت نیز می‌کند. علت روشن است؛ مخالفتان دولت در نظر گرفته‌اند که با توجه به نزدیکی انتخابات سال آینده، چنانچه دولت بخواهد از این دو وجه راهبردی خود بهره‌برند و آن را با فرافکنی و سیاه‌نمایی خنثی کنند. این دو وجه راهبردی به طور قطع به وزارت نفت و وزارت خارجه برمی‌گردد. مخالفتان دولت همچنین در تلاش هستند تا بستر اجتماعی و زمینه‌ای را که با دیپلماسی خارجی و نفتی به دست آمده است، مخدوش کنند. البته افکار عمومی این آگاهی را دارد که این کارشکنی‌ها و سیاه‌نمایی‌ها با چه هدفی صورت می‌گیرند. اتفاقاً منتقدان وزارت نفت و وزارت خارجه به صراحت در یافته‌اند که سیاست خارجی و سیاست نفتی دولت (به ویژه نشست اخیر اوپک و عملکرد درخشان وزیر نفت در آن) توانسته است اثر بسیاری روی افکار عمومی بگذارد. به همین علت است که این جریان مراکز ثقل دولت را نشانده گرفته‌اند.

واضح و مبرهن است که منتقدان دولت از روی کار آمدن روحانی و از همه مهم‌تر ادامه کاری در چهار سال آینده به شدت ناخرسند خواهند شد. اگر چه تجربه در ایران اثبات کرده که ادامه این رویکردها نتیجه عکس داده است. مردم به پشت قضایا توجه دارند؛ آنهاپی که بدنه دولت به ویژه وزارت نفت و وزارت خارجه را نشانده گرفته‌اند و مهم‌تر از همه از جیب و درد مردم سسخ می‌گویند، زمانی که در کسوت قدرت بودند، چه کاری یا چه گرهی از مشکلات مردم گشودند؟ اساساً این جریانان، اعتقادی به وضعیت معیشت مردم ندارند. این گروه‌ها تنها به فکر منافع حزبی و گروهی خود هستند. اگر نیت این جریانان، در برخورد با دو بال اصلی دولت یعنی وزارت خارجه و وزارت نفت با جانشینی منطبق همراه می‌شود، جای نقد را با تخریب تغییر نمی‌داند.

باید در نظر داشته باشیم که تمامی بحران‌ها و اختلالاتی که در دولت گذشته گریبان اقتصاد و منافع ملی کشور را گرفت، در این دوره به نوعی امکان جبران خسارت پیدا کرده و طبیعتاً این راهبردها است که مخالفتان دولت را نگران کرده است.

ظریف و زنگنه

همزمان هدف سخت‌ترین حملات مخالفتان دولت هستند، چرا؟!...

دیپلماسی و نفت، زیر تیغ

■ مسعود رفیعی طالقانی



چند هفته قبل وقتی محمد جواد ظریف در یک نيمروز با پيوزی به ساختمان وزارت نفت آمد تا با همکسوت نفتی اش، بیژن نامدار زنگنه دیداری تازه کند، هنوز نشست ۱۷۱ اوپک در وین برگزار نشده و خبری از پیروزی چشمگیر ایران در آن نشست نبود تا مهر تاییدی بر دیپلماسی موفق نفتی ما باشد، با وجود این اما وزیر خارجه جمله‌ای در وصف صنعت نفت کشور گفت که البته رسانه‌ها حق مطلب را در باره آن ادا نکردند و باز تاب لازم را نیافت.

جمله‌ای، کوتاه و ساده اما بسیار اثرگذار، نغز و پرمغز. محمد جواد ظریف گفت «صنعت نفت برجام را زنده نگه داشته است».

در همان زمان می‌شد پرسش‌های بسیاری در خصوص این جمله طرح کرد و اساساً این جمله، واجد پرسش‌هایی چندگانه در درون خود بود. آیا برجام هر لحظه رو به اعتراض بود که معمار ایرانی آن، صنعت نفت را احیاگر برجام می‌خواند؟ آیا وزیر خارجه از دهلیزهای هولناکی که مخالفتان پر و پاقرص برجام ساخته و پرداخته بودند تا این توافق بین‌المللی را به درون آنها بیفکنند، بیمناک بود و ناگزیر می‌خواست خود را در آغوش همیشه پر تلاش صنعت نفت و نفتی‌ها بیفکنند؟ و باز آیا دیپلمات همیشه خندان ما در صدد بود تا به همه ناظران بفهماند که روح برجام برای کشور ما، نه سیاسی، که عمدتاً اقتصادی است؟

پاسخ همه این پرسش‌هایی بر تردید می‌تواند آری باشد، چه آنکه در تمام ماه‌های پس از تصویب برجام، به چشم دیدیم که این سند بین‌المللی هر دم تا مرز بی اعتبار شدن مطلق پیش رفته و از این روست که دولت یازدهم، بخش زیادی از توان خود را مصروف

حفظ و صیانت از این دستاورد بزرگ مذاکره با کشورهای ۵+۱ کرده است. برجام را براه نیست اگر مانند طفلی بی پناه در قیام شکسته در اقیانوسی قلمداد کنیم که نامش هر چه هست، «اقیانوس آرام» نیست!

دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست که «برنامه جامع اقدام مشترک» چه مخالفانی دارد؛ مخالفان و مخالف‌خوانانی «مطلق‌اندیش» که حقیقت را جز در انبان خود، در هیچ جای دیگر بر نمی‌تابند. دست کم نگارنده این سطور تاکنون هیچ منتقد برجامی را ندیده است که خود را از رویکرد صفر و صدی بر حذر نگاه داشته باشد. از این رهگذار، برجام برای منتقدانش اهریمن مطلق است، پس به طریق اولی منتقدان آن، خود را خیر مطلق قلمداد می‌کنند.

در وضعیتی اینچنین، بدیهی است که وقتی وزیر خارجه کشورمان به دیدار از وزارت نفت آمد و نفت را احیاگر و زنده نگهدارنده برجام برشمرد، عمق حرف‌هایش دوچندان بود و این یعنی صنعت نفت ایران، راه مردم را بسی بیشتر و دقیق‌تر از آنچه که باید و شاید، در پیش گرفته و پیموده است. راه مردمی که در انتخابات خرداد ۹۲ رای به اعتدال‌گرایی، تعامل سازنده با جهان و برهیز از تنش در همه سطوح و نهاد‌های کشور دادند. مردم ایران در آن سال نشان دادند که در پی اقتصادی مولد، آرام و بی‌هیاهو هستند و چنین اقتصادی تنها و تنها می‌توانست و می‌تواند زیر سایه تعامل سازنده و روابط بی تنش با جهان و نیز بهره‌برداری منطقی و توسعه گراانه از منابع و ثروت‌های ملی نظیر نفت محقق